



## تحکیم و تثبیت «حق غنی‌سازی» جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین‌الملل هسته‌ای

ابراهیم حسن بیگی  
استاد دانشگاه عالی دفاع ملی  
محمدرضا حسینی\*  
استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه عالی دفاع ملی

### چکیده

ارائه تفسیرهای گوناگون از حقوق و تعهدات ناشی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، یکی از مسائل مهم و مورد مناقشه حقوق بین‌الملل هسته‌ای است. وجود نقاط ضعف فراوان در این معاهده از جمله درج عبارات کلی و مبهم، نامشخص بودن مکانیزم حل اختلافات و نداشتن توازن میان حقوق و تعهدات کشورها موجب شده تا قدرت‌های هسته‌ای قادر باشند با تفسیر دلخواه، دامنه حقوق و تعهدات ناشی از معاهده را به نفع خود تعریف کنند. قدرت‌های هسته‌ای با تفکیک میان «فعالیت‌های هسته‌ای حساس و غیرحساس» و تعقیب سیاست «غنی‌سازی صفر» در صدد نفی حقوق کشورها هستند. هدف اصلی پژوهش پاسخ به این پرسش است که در پرتو حقوق بین‌الملل چگونه می‌توان «حق غنی‌سازی» ایران را تحکیم، تثبیت و استیفا کرد؟ فرض این پژوهش بر این بنیان استوار است که دستیابی به حقوق هسته‌ای به‌ویژه «حق غنی‌سازی» به عنوان «حق لاینفک و ذاتی» ملت ایران و در سازگاری کامل با موازین حقوق بین‌الملل هسته‌ای است. تلاش برای اثبات حقانیت جمهوری اسلامی ایران از طریق شناسایی و تحکیم حقوق هسته‌ای شامل «حق توسعه»، «حق مشارکت»، «حق انتقال فناوری» و به‌خصوص احقاق «حق غنی‌سازی» به عنوان «حق مسلم» ج.ا.ایران، از دیگر اهداف این مقاله به شمار می‌رود. نتیجه این تحقیق گویای این واقعیت است که به رسمیت شناختن «حق غنی‌سازی» علاوه بر تأمین منافع ملی، به توسعه حقوق بین‌الملل، علی‌الخصوص در حوزه تفسیر معاهدات و ایجاد رویه بین‌المللی کمک می‌کند.

**واژگان کلیدی:** معاهده «ان‌پی‌تی»، حق غنی‌سازی، حقوق بین‌الملل هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۱۶

## مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، به‌کارگیری اتم برای مقاصد صلح‌آمیز از یک سو، و بحث پیشگیری از گسترش و اشاعه تسلیحات هسته‌ای از سوی دیگر به موضوعی مورد مناقشه تبدیل شد. نظام بین‌الملل از سال ۱۹۴۶ اقداماتی برای استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای به عمل آورد، اما نتوانست قواعد و مقررات الزام‌آور حقوقی را ایجاد کند. (مولایی، ۱۳۶۷: ۶۵-۸۲)

در هشتمین اجلاس مجمع عمومی سال ۱۹۵۳ آیزنهاور با طرح موضوع «اتم برای صلح» از دولت‌ها درخواست کرد تا با تأسیس یک سازمان جهانی امکان استفاده صلح‌آمیز از مواد هسته‌ای را فراهم سازند. این پیشنهاد در نهایت به ایجاد یک نهاد بین‌المللی تحت عنوان «سازمان بین‌المللی انرژی اتمی» (IAEA: International Atomic Energy Agency) در سال ۱۹۵۷ انجامید. (همان)

دولت ایرلند در سه نوبت طرح‌های خود را در زمینه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قواعد و مقررات کنترل دولت‌ها به مجمع عمومی ارائه کرد. پس از چندین دور مذاکره در نهایت کلیات پیشنهاد سوم ایرلند با موافقت شوروی سابق و آمریکا روبرو شد و پیش‌نویس آن توسط مجمع عمومی به تصویب رسید.

در تاریخ انعقاد معاهدات مربوط به منع اشاعه، طرح دولت ایرلند رؤیای جامعه بین‌المللی را برای رسیدن به راهکارهای عملی و واقع‌گرایانه کنترل تسلیحات و امحای سلاح‌های هسته‌ای تعبیر کرد. (Scott, 2004: 191) بر اساس این طرح، مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای طی قطعنامه ۱۶۶۵ (۱۹۶۱) از کشورها خواست تا از انتقال یا کسب این سلاح‌ها خودداری کنند. به‌رحال، مفاد آن تا زمان آزمایش هسته‌ای چین در اکتبر ۱۹۶۴ اجرایی نشد. (Zarate, 2007: 9)

در سال ۱۹۶۸ با ابتکار کشورهای غربی، «معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» یا «ان‌پی‌تی»<sup>۱</sup> منعقد شد. این پیمان توسط اکثر کشورهای عضو سازمان ملل امضا و در سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد،<sup>۲</sup> اما از همان ابتدا اختلاف نظرها در مورد تفسیر برخی مواد آن توجه حقوقدانان بین‌المللی را به خود جلب کرد و سبب شد تا اصلاح و بازنگری آن را پیشنهاد کنند. در این راستا، کنفرانس بازنگری معاهده در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ برگزار شد، اما به دلیل مخالفت قدرت‌های هسته‌ای در مورد دامنه تفسیر حقوق و تکالیف دولت‌ها، به‌خصوص بحث و مجادله در مورد «حق مسلم» مندرج در ماده ۴ معاهده با شکست مواجه شد.

بر اساس مقررات این معاهده، دولت‌ها ضمن تأکید بر حقوق ذاتی خود (از قبیل حق توسعه، تحقیق، تولید، انتقال و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز بدون تبعیض)؛ متعهد شدند تا از انتقال یا دریافت هرگونه «سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ابزارهای انفجارات هسته‌ای یا واگذاری سلاح‌ها یا ابزارهای انفجار هسته‌ای به دیگران» خودداری کنند و به هیچ‌وجه

کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای را در دستیابی به این گونه سلاح‌ها یا دیگر ابزارهای انفجار هسته‌ای یاری، تشویق و ترغیب ننمایند. (مواد ۱ و ۲ معاهده) در این زمینه، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در رأی مشورتی «مشروعیت به‌کارگیری تسلیحات اتمی» سال ۱۹۹۶ یادآور شد: «کشورهای عضو و غیرعضو این معاهده متعهد هستند برای از بین بردن این سلاح‌ها مذاکره و اقدام کنند».<sup>۳</sup> با وجود این، باید به این نکته توجه داشت که معاهده «ان‌بی‌تی» ماهیت قراردادی دارد و معاهده قانون‌ساز یا عام نیست؛ بنابراین، متضمن قواعد آمره (Jus Cogens) یا تعهدات عام‌الشمول (Erga Omnes) نیست. (جلالی، ۱۳۸۳: ۷۵-۱۰۲) در نتیجه، به موجب اصل «نسبی بودن قراردادها»، حقوق و تعهدات این معاهده فقط نسبت به دولت‌های متعاقد جاری است و به دولت‌های ثالث و غیرعضو (مانند پاکستان، هند، اسرائیل و کره شمالی) تسری نمی‌یابد.

انجام آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۷۴ در فاصله زمانی کوتاهی پس از لازم‌الاجرا شدن این معاهده، باعث افزایش نگرانی کشورهای عضو گردید. این اقدام هند توانست نقاط ضعف معاهده را آشکارتر سازد و روشن شد که میان حقوق و تکالیف دولت‌های متعاقد توازن کافی برقرار نیست. البته کشورهای غربی از ابتدا متوجه اشکالات اساسی این پیمان بودند و تعهداً دامنه تعهدات و ممنوعیت‌ها را وسیع پیش‌بینی کردند و حقوق دولت‌ها را شفاف نکردند. (مواد ۲ و ۳ معاهده) از این رو، حقوق دولت‌های عضو تعهداً با عباراتی مبهم و کلی تدوین شد، بدون اینکه به جزئیات و شرح دامنه آن‌ها پرداخته شود. بعلاوه، حتی چهارچوب ساختاری تنظیم قراردادها نظیر نحوه تفسیر معاهده، مکانیزم حل اختلاف و همچنین سازوکارهای تضمین اجرای تعهدات رعایت نشد.

واقعیت این است که حقوق بین‌الملل سرشار از اصول موجد «حقوق برابر برای دولت‌های نابرابر» است خواه قابلیت‌ها و فرصت‌های نهفته در این حقوق برای دولت‌ها به فعلیت درآمده باشد یا نه. در واقع، اصل «برابری حقوقی دولت‌ها» مندرج در ماده ۲ منشور ملل متحد صرف‌نظر از سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها درست به همین معناست. از این رو، مطالبه «کشورهای درحال توسعه» برای دستیابی به قابلیت‌های فناورانه و استیفای حقوق خود از جمله «حق توسعه»، «حق غنی‌سازی» و غیره از منظر حقوق بین‌الملل کاملاً مجاز و مشروع تلقی می‌شود. توسل این دولت‌ها بر حق توسعه، این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌سازد تا در استیفای این حق از هر ابزاری که لازمه استیفای حقوق مسلم و ذاتی‌شان باشد استفاده کنند، زیرا «اذن در شیء، اذن در لوازم آن هم هست». (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۲۳۵) در واقع، محوری‌ترین اختلاف میان قدرت‌های هسته‌ای و «کشورهای درحال توسعه» به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران در همین موضوع نهفته است.

با توجه به اینکه تفکیک و بازشناسی «فعالیت‌های حساس و غیرحساس» و ارائه تفسیری دقیق از دامنه حقوق کشورها در معاهده «ان‌بی‌تی» به صورت مستقیم بر منافع ملی جمهوری

اسلامی ایران تأثیرگذار است، دغدغه اصلی محققان مقاله حاضر، ارائه تفسیری منطقی، مورد قبول و معتبر از حقوق کشورمان در معاهده «ان‌بی‌تی» و سایر اسناد حقوق بین‌الملل هسته‌ای برای ارائه راهکارهای تحکیم حقوق مردم ایران من جمله حق توسعه، حق مشارکت، حق انتقال فناوری و به‌ویژه «حق غنی‌سازی» بوده است.

سؤالات و فرضیه

(۱) چگونه می‌توان «حق غنی‌سازی» جمهوری اسلامی ایران را در پرتو حقوق بین‌الملل هسته‌ای تحکیم، تثبیت و استیفا کرد؟

(۲) به موجب موازین حقوق بین‌الملل، نحوه تفکیک میان فعالیت‌های هسته‌ای ممنوعه و فعالیت‌های هسته‌ای مجاز چگونه است؟

(۳) با توجه به تفسیرها و برداشت‌های متفاوت از اسناد حقوق هسته‌ای، دولت‌های متعاهد چه حقوق و تکالیفی برعهده دارند؟

بی‌گمان هر پژوهشی بر فروعی اصولی و کلی استوار است که به عنوان مبنا و انگیزه‌ای برای تحقیق به شمار می‌رود. در این پژوهش نیز متناظر با سؤالات مطرح شده، بر این مدعاست که «پافشاری جمهوری اسلامی ایران بر استیفای حقوق کامل هسته‌ای خود به‌ویژه «حق غنی‌سازی» به عنوان «حقی لاینفک و ذاتی» ملت ایران و اعلام آن به عنوان فعالیت‌ی مجاز و «موضوعی غیرقابل مذاکره» یکی از اصول مسلم و در سازگاری کامل با موازین حقوق بین‌الملل هسته‌ای است».

روش‌شناسی

تحقیق حاضر اهداف از نوع توصیفی - تحلیلی است، زیرا در آن اسناد مصوب سازمان ملل نظیر معاهدات، قطعنامه‌ها، و قواعد عرفی مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته است و اطلاعات مورد استفاده از روش کتابخانه گردآوری شده‌اند. نتایج این پژوهش از نوع کاربردی است، زیرا می‌تواند مبنای تصمیم‌سازی بازیگران این حوزه در سطح بین‌المللی شود.

## چهارچوب مفهومی

الف) تعاریف و مفاهیم

به دلیل درهم تنیدگی حقوق هسته‌ای با علوم فنی و فناوری هسته‌ای و برای درک بهتر مسائل حقوقی مرتبط با این حوزه، در ابتدا کوشش می‌شود به صورت اختصار برخی از اصطلاحات فنی و تخصصی مرتبط با موضوع مورد بحث قرار گیرد:

غنی‌سازی (Enrichment): «منظور از غنی‌سازی فرایند غنی شدن مواد اورانیم است که مجموع ایزوتوپ‌های ۲۳۵ یا ۲۳۳ به مقداری باشد که نسبت به ایزوتوپ ۲۳۸ بیشتر از نسبت بین ایزوتوپ ۲۳۵ به ایزوتوپ ۲۳۸ که از طبیعت بدست می‌آید، باشد».

غنا و اورانیوم: در بند (ج) ماده ۹۸ موافقت‌نامه پادمانی ایران و آژانس، غنا و اورانیوم نیز تعریف شده است و غنا بالای ۵ درصد بدون تعیین آستانه انتهایی و حداکثری آن تصریح شده است.<sup>۴</sup>

موافقت‌نامه پادمان (Agreement Safeguards): پادمان در فارسی به معنای نظارت و حراست کردن است که از ریشه فعل پاییدن گرفته شده است. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای انعقاد موافقت‌نامه‌های پادمانی جامع با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توسط کشورهای عضو را اجباری می‌داند، اما پادمان در اصطلاح فنی به مقررات نظارتی و بازرسی‌های آژانس از مراکز هسته‌ای اطلاق می‌شود. تاکنون سه نوع موافقت‌نامه پادمانی شامل: موافقت‌نامه پادمانی جامع (معروف به سند ۱۵۳)، موافقت‌نامه پادمانی (۶۶) و پروتکل الحاقی توسط آژانس مورد تصویب قرار گرفته است. (غریب آبادی، ۱۳۸۳: ۲۵)

چرخه سوخت: مراحل مختلف فرایند چرخه سوخت عبارت‌اند از: (الف) فرآوری سنگ معدن اورانیوم (ب) تبدیل و غنی‌سازی (ج): تولید سوخت هسته‌ای (د) بازفرآوری مواد هسته‌ای حق غنی‌سازی اورانیوم: اغلب اسناد بین‌المللی مرتبط به صراحت «حقوق کشورهای غیرهسته‌ای» را در دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، از جمله حق غنی‌سازی اورانیوم، بازفرآوری و تهیه سوخت هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسند. با این حال، برخی از کشورهای غربی بر این باورند که هر کشوری که به دنبال «فعالیت‌های حساس» مانند انرژی هسته‌ای باشد در شمار مظنونین تلاش برای تولید سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی است؛ بنابراین، حقوق مندرج در این اسناد باید در سایه تکالیف آن‌ها تفسیر شود.

برای روشن شدن دامنه حقوق و تکالیف هسته‌ای کشورها در اسناد بین‌المللی، مفاد چند سند مهم مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

#### ب) منشور ملل متحد

در پایان جنگ جهانی دوم انفجار دو بمب اتمی در هیروشیما و ناگازاکی نگرانی جامعه جهانی را در مورد گسترش سلاح‌های هسته‌ای برانگیخت. (Meyrowitz, 1975: 277) هرچند کاربست این گونه سلاح‌ها به عنوان ابزاری مخرب برای از بین بردن بخشی از جمعیت بشری و ایجاد آثار زیست‌محیطی فاجعه‌بار و غیرقابل‌کنترل در مناطق وسیعی از کره زمین انزجار جامعه جهانی را به دنبال داشت، اما از طرف دیگر، انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای توانسته است گامی مثبت برای تأمین نیازهای بشریت به بهبود سلامت، مبارزه با فقر، حفاظت از محیط‌زیست، توسعه صنعتی و کشاورزی که از اهداف عالی منشور ملل متحد است بردارد. (Ghali, 1992: 408)

با وجود اینکه در متن منشور ملل متحد مستقیماً به موضوع انرژی هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از آن اشاره نشده است، اما در چندین ماده حق توسعه، حق تعیین سرنوشت و حق انتقال فناوری به صورت تلویحی مورد پذیرش قرار گرفته است:

## ۱- حق توسعه

حق توسعه یکی از انواع حقوق اساسی ملت‌ها و دولت‌ها است که اسناد حقوق بشری و معاهدات بین‌المللی از آن به عنوان حق ذاتی تمامی انسان‌ها برای تسهیم عادلانه اموال و خدمات یاد می‌کنند. (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴) در این خصوص، پروفیسور محمد بجاوی، حقوقدان افریقایی و رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، بیان می‌کند: «حق توسعه اثر طبیعی حق تعیین سرنوشت است که موجب همبستگی بین المللی می‌شود و پیوستگی دولتها را معنا می‌بخشد». به عقیده او «به دلیل آنکه حق حاکمیت دولت‌ها و حق تعیین سرنوشت جزء قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند، حق توسعه که حاصل این قواعد است نیز از وصف آمره برخوردار است». (Bedjaoui, 1991: 1250)

مقدمه منشور سازمان ملل «حق توسعه» دولت‌ها را «برای پیشرفت اجتماعی و ارتقای استانداردهای بهتر زندگی بشر» در قالب «حقوق بنیادین بشر» به رسمیت می‌شناسد. (مقدمه منشور ملل متحد) همچنین، بند ۱ ماده ۲۲ منشور افریقایی حقوق بشر «حق توسعه» را یک حق فردی و جمعی می‌داند. (The African Charter on Human and Peoples' Rights) ماده ۱ اعلامیه حق توسعه (۱۹۸۶) «حق توسعه» را به عنوان «حق مسلم» تعریف می‌کند که به موجب آن «هر انسان می‌تواند از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بهره مندی شود». ۵. در واقع، «حق توسعه» در این مفهوم بخشی از «حق تعیین سرنوشت» است به این معنا که همه مردم حق دارند برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، و حاکمیت تام بر منابع و ثروت‌های طبیعی‌شان تصمیم بگیرند. ۶. بر این اساس می‌توان گفت، «حق هسته‌ای شدن» نیز که جزو حقوق ذاتی و لاینفک دولت‌ها است با «حق توسعه» پیوند دارد و این حق با «حق تعیین سرنوشت» و «حق انتقال فناوری» رابطه مستقیم دارد. به طور کلی، حق توسعه ضامن آزادی، پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان‌هاست و تضمینات حقوقی لازم را برای وادار کردن کشورهای توسعه‌یافته برای همکاری و کمک به کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. از این رو، نظام سرمایه‌داری علاقه‌ای به پذیرش «حق توسعه» به عنوان جزء جدانشدنی حقوق کشورهای در حال توسعه ندارد، اما شقوق این حق در «اعلامیه حق توسعه» که در قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، تبیین شده است. (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۸)

## ۲- حق تعیین سرنوشت

«حق تعیین سرنوشت» یکی دیگر از اصول حقوق بین‌الملل معاصر است. این حق در بند ۲ ماده ۱ منشور و در زمره اهداف و مقاصد ملل متحد ذکر شده است. «حق تعیین سرنوشت» همواره به عنوان یکی از مبانی و پایه‌های روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها و ملت‌ها یاد شده است. (خوان خرازیان: ۱۳۸۶: ۱۰۲)

ماده ۵۵ منشور نیز به موضوع ارتقای همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی «برای ایجاد شرایط از ثبات و رفاه که لازم برای روابط صلح‌آمیز و دوستانه در بین ملل بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل» اشاره دارد. به علاوه، بند ۲ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) تأکید دارد: «حقوق بین‌الملل درد هیچ موردی نمی‌تواند ملتی را از رسیدن به رفاه و امرارمعاش محروم کند».<sup>۷</sup> همچنین اصل ۲ اعلامیه ریو در مورد محیط‌زیست و توسعه (۱۹۹۲) حق دولت‌ها در «بهره‌برداری از منابع طبیعی‌شان مطابق با سیاست‌های توسعه‌ای خود» را به رسمیت می‌شناسد.<sup>۸</sup>

### ۳- حق انتقال فناوری

در مقابل تکالیف و محدودیت‌هایی که نظام اشاعه نکردن بر دوش دولت‌های درحال توسعه گذاشت، تنها تعهدی که قدرت‌های هسته‌ای متقبل شدند «انتقال فناوری و عمومی‌سازی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» است که پاراگراف دوم ماده ۴ معاهده «ان‌پی‌تی» مبین این حق است. بر این مبنا، کشورهای درحال توسعه می‌توانند این حق را برای خود محفوظ دارند که «انتقال فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز» را از قدرت‌های هسته‌ای مطالبه کنند. اما در عمل استیفای این «حق» همواره با مناقشه مواجه بوده است، زیرا برداشتی که قدرت‌های هسته‌ای از مواد ۱ تا ۷ این معاهده دارند این است که جهت‌گیری معاهده به نفع منع گسترش تسلیحات اتمی است و حقوق مورد ادعای کشورهای درحال توسعه (در پاراگراف دوم ماده ۴) انتقال فناوری هسته‌ای را مجاز شمرده که تنها در سایه تکالیف منع گسترش تسلیحات قابل حصول است. (مولایی، ۱۳۷۶: ۷۴) استدلالی که این کشورها بر آن پافشاری می‌کنند ناشی از این سوءبرداشت است که اگر تکالیف آن‌ها برای انتقال فناوری هسته‌ای همسنگ با تعهد به منع گسترش تسلیحات بود منطقاً باید برای آن مکانیزم لازم‌الاجرا یا ضمانت اجرایی مناسبی پیش‌بینی می‌شد. از این رو، قدرت‌های هسته‌ای این تفسیر موسع از ماده ۴ معاهده را که مبنای حقوق دولت‌های غیرهسته‌ای است قبول ندارند. از سوی دیگر، اثبات نقض تعهد کشورهای دارنده در انتقال ندادن فناوری هسته‌ای نیز بسیار مشکل است. (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۲)

از نظر قدرت‌های هسته‌ای، انتقال فناوری منوط به تحقق چند عامل است:

الف) ارائه درخواست از سوی کشورهای متقاضی؛

ب) موافقت کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای با درخواست؛

ج) تعیین قیمت تجهیزات بر اساس قانون عرضه و تقاضا؛

د) انعقاد قرارداد و تعیین شرایط از سوی کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای.

در عمل، کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای با تعیین شرایط ناعادلانه و مانع‌تراشی بر سر راه انتقال دانش فنی، امکان استیفای این «حق» را از کشورهای متقاضی زایل ساخته‌اند. (Ford, 2010: 239) با توجه به مشخص نبودن تعهدات کشورهای دارنده و بسنده کردن به مسئولیت جمعی آن‌ها در قالب «همکاری در انتقال فناوری هسته‌ای»، اقامه دعوی از سوی کشورهای

متقاضی و اثبات مسئولیت فردی آنان مشکل خواهد بود، زیرا دولت متقاضی باید قبلاً به تک- تک اعضای باشگاه هسته‌ای مراجعه و وارد مذاکره شده و نتیجه‌ای هم نگرفته باشد. بدین ترتیب، طرح مسئله نقض تعهد در قالب ماده ۴ فی نفسه مشکل خواهد بود.

با توجه به نبود تضمینات کافی برای انتقال فناوری‌های هسته‌ای از سوی کشورهای دارنده آن و پیش‌بینی نکردن مکانیزم حل اختلافات در این معاهده، از دید کشورهای غیرهسته‌ای خروج از معاهده بر اساس ماده ۱۰ تنها ضمانت اجرایی این معاهده قلمداد می‌شود<sup>۹</sup> همان‌گونه که کره شمالی در سال (۲۰۰۳) از پیمان خارج شد؛ همچنین ایران نیز تهدید کرده در صورت عدم شناسایی حقوق هسته‌ای در قالب ان.پی.تی از پیمان خارج شود. (Ford, 2010: 249) به‌رحال، به دلیل آنکه خروج از معاهده به طور مستقیم با موضوع صلح و امنیت جهانی پیوند خورده است، معاهده درباره خروج داوطلبانه اعضا بسیار سخت‌گیر است.

### ج) قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقش مهمی در ترویج استفاده از فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای دارد و موجبات شفافیت حقوق و تکالیف دولت‌ها می‌شود. مجمع عمومی طی قطعنامه ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ برای اولین بار موضوع انرژی هسته‌ای را مورد توجه قرار داد و نهادی تحت عنوان «کمیسیون بررسی مشکلات احتمالی در زمینه کشف انرژی اتمی» را ایجاد کرد،<sup>۱۰</sup> اما آزمایش هسته‌ای چین در اکتبر ۱۹۶۴ توجه جامعه بین‌المللی را به لزوم جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای به عنوان یک اولویت فوری جلب کرد که تصویب قطعنامه ۲۰۲۸ مجمع عمومی در سال ۱۹۶۵ از نتایج مثبت آن بود. این قطعنامه توانست چند اصل بنیادین معاهده «ان‌پی‌تی» را پی ریزی کند که سه سال بعد در ۱۹۶۸ به تصویب رسید. این اصول عبارت بودند از اینک:

- ۱) معاهده نباید هیچ روزنه‌ای داشته باشد که اجازه دهد سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای عضو دارنده سلاح‌های هسته‌ای یا کشورهای بدون آن به هر شکل تولید، استفاده یا تکثیر شود؛
- ۲) معاهده باید تعادل قابل‌قبولی را میان حقوق و تعهدات کشورهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای عضو برقرار سازد؛

۳) هدف غایی معاهده باید دستیابی به خلع سلاح کامل هسته‌ای باشد. (Bailey et al, 2000: 5)

هرچند شیوه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در این قطعنامه بیان نشد، اما مجمع عمومی طی قطعنامه ۲۱۵۶ تصمیم گرفت کنفرانسی متشکل از کشورهای غیرهسته‌ای تشکیل دهد تا به این موضوع بپردازد که «چگونه می‌توان از فناوری‌های هسته‌ای برای اهداف منحصراً صلح‌آمیز استفاده کرد؟»<sup>۱۱</sup>

مجمع عمومی در ۷ دسامبر ۱۹۷۰ در قطعنامه ۲۶۶۱ برای اولین بار از واژه «حق مسلم کشورهای عضو برای استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز» استفاده کرد.<sup>۱۲</sup> بدین

ترتیب، «حق مسلم» همه دولت‌ها برای «توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض، توسعه شیوه‌های جدید برای غنی‌سازی» به رسمیت شناخته شد.

علاوه بر این، مجمع عمومی در قطعنامه ۳۴۷۸ اعلام کرد: «منافع بالقوه حاصله از برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای باید در دسترس کشورهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای باشد، مشروط بر اینکه در انطباق با مفاد معاهده «ان‌پی‌تی» باشد، به صورتی که احتمال هرگونه انفجار هسته‌ای که با ممنوعیت کامل آزمایش سلاح هسته‌ای و اشاعه نکردن سلاح‌های هسته‌ای ناسازگار باشد، منتفی شود».<sup>۱۳</sup>

به رغم آنکه قطعنامه ۷۵/۳۱ مجمع عمومی سازمان ملل بر «ضرورت مؤثر رعایت پادمان‌های بین‌المللی برای اطمینان از اینکه برنامه صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نتواند به گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر مواد منفجره هسته‌ای منجر شود» تأکید دارد؛ با این حال، این قاعده نمی‌تواند دست‌آویزی در دست کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای باشد تا بتوانند با اتهام‌زنی، از اعطای حقوق و امتیازات کشورهای فاقد آن امتناع ورزند.<sup>۱۴</sup>

علاوه بر این، مجمع عمومی در قطعنامه ۲۳۷۳ بار دیگر به تعیین چهارچوب برنامه استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای پرداخت. این قطعنامه حق همه اعضا را نسبت به «مشارکت در تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را محفوظ می‌شمارد و از کشورهای غیرهسته‌ای برای دستیابی به منابع و مواد شکافت‌پذیر، تجهیزات فرآوری، استفاده و تولید انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز» حمایت می‌کند.<sup>۱۵</sup>

(د) حقوق و تکالیف کشورها در معاهده «ان‌پی‌تی»:

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یا «ان‌پی‌تی» در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ به تصویب رسید تا رافع نگرانی‌های گسترده جامعه بین‌المللی نسبت به کاربرد تسلیحات اتمی و در نتیجه نقض صلح و امنیت بین‌المللی باشد. انعقاد این پیمان سه هدف اساسی را تعقیب می‌کند: (الف) معاهده باید گام بلندی برای دستیابی به خلع سلاح عمومی و کامل از طریق روش‌های دیپلماتیک بردارد، (ب) معاهده باید قادر باشد اطمینان دهد نیازهای همه کشورهای عضو غیر دارنده سلاح هسته‌ای در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأمین می‌شود؛ و (ج) معاهده باید بتواند گسترش سلاح‌های هسته‌ای را متوقف و کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای را برای اجتناب از دستیابی به این گونه سلاح‌ها متقاعد سازد.<sup>۱۶</sup> در ضمن، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای<sup>۱۷</sup> متعهد شدند که به تدریج و حداکثر ظرف مدت ۲۵ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده، همه سلاح‌های هسته‌ای خود را امحا نمایند. اهداف بنیادین این معاهده در چند ماده آغازین آن منعکس شده است:

ماده ۱: طبق این ماده، کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای موافقت می‌کنند از انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا وسایل منفجره هسته‌ای به دریافت‌کننده خودداری نمایند و از انتقال یا واگذاری

کنترل این قبیل سلاح‌ها و وسایل انفجاری به غیر منع شده‌اند، اما متأسفانه این کشورها اجازه یافتند که سلاح‌های هسته‌ای خود را در مناطقی خارج از قلمرو سرزمینی‌شان مستقر سازند. ماده ۲: در این ماده، هر یک از کشورهای غیرهسته‌ای تعهد می‌کنند که هیچ سلاح هسته‌ای یا سایر مواد منفجره را دریافت و کنترل نکنند و برای تولید این قبیل سلاح‌ها یا وسایل انفجاری، تقاضای کمک نکرده، آن را دریافت نکنند. در حقیقت، «هدف مواد ۱ و ۲ معاهده گسترش دامنه حقوق کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد تکالیف و تعهدات مضاعف برای کشورهای غیرهسته‌ای عضو معاهده» است. (Zhang, 2006: 249)

ماده ۳: این ماده فقط وظیفه کنترل و نظارت را بر عهده آژانس بین‌المللی گذاشته است، اما در این ماده برای برخورد با عضو متخلف هیچ سازوکاری پیش‌بینی نشده است، اما بند ۴ این ماده بر لزوم انعقاد قرارداد بین آژانس و کشورهای فاقد انرژی هسته‌ای تأکید دارد. با این حال، در قراردادهای منعقد شده هیچ اختیاری به آژانس برای اعمال مجازات داده نشده است. تنها در ماده 12-C (XII-C) اساس‌نامه آژانس به شورای حکام آژانس اختیار داده تا در صورت مشاهده نقض تعهد هر یک از دولت‌ها، نظر شورای امنیت سازمان ملل را به این موضوع جلب کند.<sup>۱۸</sup> بند ۳ ماده ۳ معاهده مقرر می‌دارد: «تدابیر حفاظتی مقرر در این ماده باید بگونه‌ای به مرحله اجرا گذاشته شود که هیچگونه مانعی بر سر راه توسعه تکنولوژیکی یا اقتصادی دولتهای عضو در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ایجاد نکند». این حق، شامل تبادل مواد هسته‌ای و تجهیزات برای فرآوری، استفاده یا تولید مواد هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز در مطابقت با شرایط و اصول حفاظتی که در مقدمه این سند مشخص شده خواهد بود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقام یک سازمان بین‌المللی بی‌طرف و منطبق با اساس‌نامه خود وظیفه دارد فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای عضو را تحت نظارت و کنترل مستمر داشته باشد و «کشورهای عضو» نیز ملزم هستند در صورت مشاهده هرگونه تخلف و انحرافی، قبل از هر اقدامی، مراتب را به آژانس گزارش کنند. از این رو، آژانس تنها نهادی است که مسئولیت انحصاری در خصوص اعلام نظر نسبت به هرگونه سوءاستفاده و انحراف از مقررات را دارد. (خانیکی، ۱۳۷۳، ۵)

ماده ۴: هدف اصلی ماده ۴ حمایت از حقوق اعضا در برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز است. عبارات ابتدایی این ماده بر «حق غیرقابل تفویض» (Untransferable right)، «حق لاینفک» (Inalienable right)، «حق ذاتی» (intrinsic right) یا «حق غیرقابل سلب» (Inviolable right) دولت‌ها در بهره‌مندی از توسعه، تحقیقات و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را مورد تأیید قرار می‌دهد. اشاره به این حقوق در پاراگراف اول ماده ۴ در واقع، «حق غنی‌سازی» (Enrichment right) به عنوان یکی از مؤلفه‌های «حق توسعه» برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز را به رسمیت شناخته شده است. از این رو، «حق غنی‌سازی» به عنوان مرکز

ثقل «حق توسعه» صلح‌آمیز هسته‌ای محسوب می‌شود. در این راستا، نماینده سوئیس در هنگام تدوین پیش‌نویس معاهده اظهار داشت: «برخی از فعالیت‌های حساس هسته‌ای مانند غنی‌سازی اورانیوم، فعالیت‌های بازفرآوری، جداسازی پلوتونیوم از مواد هسته‌ای که برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده شود بخشی از حق توسعه کشورهاست؛ بنابراین، ممکن نیست در زمره فعالیت‌های ممنوعه هسته‌ای قلمداد شود» (Zhang, 2006: 658).

اشاره صریح به «تولید و توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز» در ماده ۴ ناظر بر شناسایی تمامی مراحل، فرایند و گام‌های منتهی به تحقق این حق است. در نتیجه، از مرحله شناسایی معدن، خرید و کسب اورانیوم طبیعی گرفته تا غنی‌سازی مواد، ایجاد نیروگاه، داشتن دانش هسته‌ای بومی، و در نهایت هر چیزی که ابعاد فنی تحقق این حق را میسر سازد، بخشی از این حق است. (ساعد، ۱۳۹۲)

پاراگراف دوم ماده ۴ به تعهدات طرفین در خصوص ایجاد تسهیلات و مشارکت در زمینه تبادل تجهیزات، مواد هسته‌ای و اطلاعات علمی و همچنین انتقال فناوری‌های صلح‌آمیز اشاره دارد. با کمی دقت می‌توان دریافت که عبارات این پاراگراف به گونه‌ای تدوین شده‌اند که هیچ تعهد حقوقی را بر کشورهای هسته‌ای بار نمی‌کنند و عمدتاً ناظر به همکاری داوطلبانه آن‌هاست. بنابراین، این ماده در کلیت خود تکلیف و تعهدی برای این دسته از کشورها ایجاد نمی‌کند. همچنین هیچ سازوکار و ضمانت اجرایی برای نظارت بر حسن اجرای تعهدات قدرت‌های هسته‌ای پیش‌بینی نشده است. بر این اساس، نبود تعادل میان حقوق و تعهدات دولت‌ها (برخلاف مفاد قطعنامه ۲۰۲۸ مجمع عمومی) مشهود است؛ بنابراین، از دیدگاه حقوق بین‌الملل این سند نیز مانند بسیاری از معاهدات قرن نوزدهم در شمول «معاهدات نابرابر»<sup>۱۰</sup> قرار می‌گیرد که قابلیت ابطال دارد. (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۶۰)

### موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در خصوص «حق غنی‌سازی»

برداشت و تفسیر متفاوت از دامنه حقوق لاینفک و ذاتی دولت‌ها در معاهده «ان‌پی‌تی» یا به رسمیت نشناختن این حقوق از یک سو و پافشاری ایران بر استیفای این حقوق مسلم خود، به‌ویژه «حق غنی‌سازی» هسته‌ای و اعلام آن به عنوان «خط قرمز» و «موضوعی غیرقابل مذاکره» از سوی دیگر، باعث بروز چالش میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای (۱+۵) شده است. از دیدگاه قدرت‌های غربی، باید میان «فعالیت‌های حساس و غیرحساس» هسته‌ای تمایز قائل شد. آن‌ها با ارائه تفسیرهای هدفمند از معاهده و تعقیب سیاست «غنی‌سازی صفر»<sup>۲۱</sup> در تلاش‌اند تا فرایند غنی‌سازی اورانیوم، بازفرآوری، تولید سوخت و گسترش فناوری‌های مربوطه را در زمره «فعالیت‌های حساس» قرار دهند و با استناد به سکوت معاهده، این گونه فعالیت‌ها را در شمار اعمال غیرمجاز قرار دهند تا در موقع لزوم به عنوان حربه علیه طرف مقابل استفاده کنند. (فلسفی، ۱۳۷۲: ۴۳۶)

بیش از یک دهه است که جمهوری اسلامی ایران اظهار می‌کند که به رسمیت شناختن «حق غنی‌سازی» همواره شرط لازم برای حضورش در مذاکرات هسته‌ای است.<sup>۲۲</sup> مجله وال‌استریت ژورنال، در مقاله‌ای با عنوان «ایران حقی برای غنی‌سازی اورانیوم دارد؟» موضوع «حق غنی-سازی اورانیوم کشورها» را به بحث گذاشت. این مقاله تأیید می‌کند که معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حق دولت‌های عضو را برای غنی‌سازی به رسمیت شناخته است. (Makovsky and Misztal, 2012)

دکتر ژانگ، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تسینگ هوا، معتقد است؛ عبارت «حق مسلم» مندرج در ماده ۴ برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای هیچ‌گاه موضوعی مورد مناقشه‌ای نبوده و نیست، زیرا در آن بارها و بارها در اسناد حقوق بین‌الملل تأیید شده است. (Zhang, 2006: 650). همچنین در این ارتباط، در سند نهایی کنفرانس بازنگری معاهده «ان‌پی‌تی» سال ۲۰۰۰ آمده است: «کنفرانس به انتخاب و تصمیم‌گیری هر کشور در زمینه گزینش روش‌های استفاده از انرژی هسته‌ای، بدون به خطر انداختن موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و چرخه کامل سوخت احترام می‌گذارد.»<sup>۲۴</sup> همان‌طور که اشاره شد، گرچه نظرات در مورد ارتباط «حق مسلم» با عبارت «مطابق با مواد ۱ و ۲ این پیمان» در ماده ۴ متکثر است؛ ولی در واقع ماده ۴ معاهده بر حقوق کشورهای فاقد انرژی هسته‌ای مهر تأیید زده است، اما با رعایت مواد ۱ و ۲ معاهده که به تعهدات دولت‌ها مبنی بر دریافت نکردن و انتقال هرگونه سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر وسایل انفجاری اشاره دارد. بحث و مناقشه اصلی میان ایران و کشورهای ۱+۵ بر سر این موضوع است که معنا و مفهوم عبارت «ساخت و تولید» در ماده ۴ چیست و چه هدفی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش با توجه به فحوای ماده ۲ باید گفت، در معاهده هیچ‌گونه قیدی وجود ندارد که تعیین کند در چه شرایطی می‌توان حق یک دولت را برای به دست آوردن یا انجام تحقیقات هسته‌ای در حوزه‌های مختلف سلب کرد. برخی حقوق‌دانان معتقدند: «این یک دیدگاه مورد قبول است که به استثنای سلاح‌های هسته‌ای که صراحتاً در معاهده منع شده‌اند، «حق مسلم» مندرج در ماده ۴ معاهده بدون محدودیت است.» (Zarate, 2010: 222) درحقیقت، این گزاره گویای این اصل از حقوق بین‌الملل است که: «هر چیزی که ممنوع شمرده نشده است، مجاز است.» حال اگر در عرصه حقوق بین‌الملل صرفاً فعالیت‌های مجاز تعیین شود، ممکن است این قاعده که «هر آنچه مجاز نیست، ممنوع است» اعمال شود که گزاره مخالف اصول اساسی حقوق بین‌الملل است. (Gordon, 2000: 256)

با تکیه بر همین ضابطه، جمهوری اسلامی ایران باید استدلال کند که به دلیل آنکه «حق غنی-سازی» که در معاهده ممنوع نشده، از این حق برخوردار است. در مقابل، ایالات متحده آمریکا احتمالاً مدعی خواهد بود که تعهدات ناشی از این معاهده در مورد ممنوعیت «ساخت و تولید» سلاح‌های هسته‌ای شامل ممنوعیتی در همه ابعاد آن («تجهیزات هسته‌ای»، «توسعه، ساخت،

مونتاژ و آزمایش قطعات فنی غنی‌سازی» می‌شود. امریکا بدون توجه به این اصل که معاهده «ان‌پی‌تی» حق ایران را برای غنی‌سازی مورد شناسایی قرار می‌دهد؛ ادعا می‌کند که حق استفاده «صلح‌آمیز» از انرژی هسته‌ای کاملاً به رعایت مقررات ماده ۲ معاهده گره خورده است.

همان‌طور که اشاره شد، طرح پیشنهادی ایرلند برای وضوح بیشتر واژگان معاهده در زمان بازنگری معاهده در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ بی‌نتیجه ماند. با این حال، برخی از کشورها پیشنهادهایی برای روشن شدن این موضوع ارائه کردند. برای مثال، در سال ۱۹۶۷، سوئیس عبارت «تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای» مندرج در معاهده را این‌گونه تفسیر کرد: «بهربرداری از ذخایر اورانیوم، غنی‌سازی اورانیوم، استخراج پلوتونیوم از سوخت‌های هسته‌ای یا تولید عناصر سوخت از آب سنگین زمانی ممنوع است که برای مقاصد نظامی استفاده شود». اما در نهایت، این پیشنهادها برای روشن شدن ابعاد موضوع نادیده گرفته شد و معاهده در وضعیت کنونی آن به تصویب رسید.

## تجزیه و تحلیل

بررسی‌های محققان نشان می‌دهد که هدف از پیوستن کشورهای درحال توسعه به معاهده «ان‌پی‌تی»، بهره‌مندی از حقوقی است که این معاهده برای «توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» در اختیار آن‌ها می‌گذارد و دولت‌های توسعه‌یافته را به ایجاد زمینه مساعد برای مبادله اطلاعات و انتقال فناوری‌های هسته‌ای ملزم می‌سازد و قدرت‌های هسته‌ای را مکلف کرده است که با توجه به نیازهای کشورهای درحال توسعه، آن‌ها را در استفاده صلح‌آمیز از آن یاری رسانند.

با این وجود، دلیل اصلی غامض بودن دامنه و ابعاد حقوق هسته‌ای این است که قدرت‌های تنظیم‌کننده معاهدات تعمداً این حقوق را «مبهم» باقی گذاشتند تا در مواقع لزوم به آن‌ها اجازه دهد نه تنها حقوق (حق تولید، انتقال و توسعه انرژی هسته‌ای) طرف مقابل را محدود سازند، بلکه دامنه حقوق را به گونه‌ای تفسیر کنند تا حقوق مورد مطالبه او (حق غنی‌سازی) را شامل نشود. استفاده از این ابهامات و تفسیر به رأی از آن‌ها در خلال مذاکرات هسته‌ای برای مجبور ساختن کشورهای طرف مذاکره به پذیرش خواسته‌های خود از شگردهای سنتی قدرت‌های هسته‌ای است. این اهرم بارها و بارها در خلال مذاکرات هسته‌ای ایران از سوی طرف غربی مطرح و به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد برای بی‌اثر کردن این شگردها، توسل به حقوق قراردادی، دیپلماسی حقوقی و سایر سازوکارهای موجود در حقوق بین‌الملل که در ذیل مورد تحلیل و کنکاش قرار می‌گیرد مفید خواهد بود:

## الف) استفاده از مقررات ماده ۴ معاهده «ان‌پی‌تی»

پاراگراف اول ماده ۴ معاهده «حق مسلم کشورهای عضو» برای استفاده صلح‌آمیز از فناوری انرژی هسته‌ای را به رسمیت شناخته است. در واقع، بخش اول ماده ۴ این حق را در زمره اساسی‌ترین اهداف این معاهده بر می‌شمارد. در این راستا، درج عبارت «بدون تبعیض» در ماده ۴ جلوگیری از هرگونه محدودیت بی‌جا برای اجرای برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در کشورهای غیرهسته‌ای است و تصمیم هر کشور در زمینه نحوه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باید مورد احترام قرار گیرد.

پاراگراف دوم ماده ۴ «تبادل کامل تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فناوری» برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را رسمیت می‌شناسد؛ بنابراین، مشروط به رعایت مواد ۱ و ۲ و ۳ این معاهده، دسترسی کامل به مواد هسته‌ای، تجهیزات و فناوری و انتقال آن‌ها حق قانونی همه دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است.

به‌طور کلی، می‌توان گفت مواد ۲، ۳ و ۴ معاهده ارتباط منطقی و تنگاتنگی با هم دارند. در پرتو هدف و منظور معاهده، کشورهای بدون انرژی هسته‌ای با قبول «منع تولید و انباشت تسلیحات هسته‌ای» و «پذیرش نظام نظارت و کنترل آژانس بین‌المللی» می‌توانند متقابلاً از «حق غنی‌سازی» و «حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» و «دانش و فناوری هسته‌ای» بهره‌مند شوند تا از دیدگاه حقوق بین‌الملل، تساوی حقوق طرفین حفظ شود. از این منظر، ماده ۴ باید به گونه‌ای تفسیر و تأویل شود که در آن تعهدات کشورهای هسته‌ای به عنوان تعهدات اخلاقی تلقی نشود، بلکه در قالب تکالیف الزام‌آور برای برقراری تعادل نسبی میان حقوق و تعهدات طرفین که لازمه ثبات و تداوم هر قراردادی است تلقی شود.

همچنین در این معاهده تأکید شده که دولت‌ها مکلف هستند بر مبنای «حسن نیت» برای ایجاد تسهیلات برای دسترسی و برخورداری همه کشورها از انرژی هسته‌ای با یکدیگر همکاری کنند. (ماده ۵ معاهده) درحقیقت، «کشورهای عضو حق ندارند به بهانه احتمال به‌کارگیری این فناوری برای مقاصد غیرصلح‌آمیز یا راستی‌آزمایی، این حق را مخدوش کنند»، زیرا این سوءبرداشت با روح و مفاد معاهده در تعارض آشکار است.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد قدرت‌های هسته‌ای در زمان تنظیم معاهده تعهداً حقوق اعضای متعاهد را به وضوح روشن نساختند و با عبارات مبهم جا را برای تفسیر باز گذاشتند. طبق قواعد مصرح در کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹ (ماده ۳۱ و ۳۲)<sup>۲۵</sup>، تنها «سبب» عبارات معاهدات «نیستند که هدف و منظور طرفین معاهده را نشان می‌دهند، بلکه برای رفع ابهام و اجمال می‌توان به «کارهای مقدماتی معاهده» (préparatoires travaux) و «توافقات بعدی طرفین معاهده در ارتباط با تفسیر یا اجرای معاهده و رویه‌های بعدی» در تفسیر الفاظ رجوع کرد، به‌ویژه اگر تفسیرها توسط ارکان سازمان ملل مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا شورای امنیت به عمل آید.<sup>۲۶</sup> تفسیرهای متفاوتی که از سوی این نهادها از عبارات مبهم و گنگ

ماده ۴ معاهده ارائه می‌شود، نقش اساسی را در منحرف کردن افکار عمومی جهانیان دارد. در همین راستا، نفوذ قدرت‌های هسته‌ای در این گونه نهادها و ارائه تفسیر نفع‌مدارانه از حقوق مندرج در معاهدات در واقع پایمال کردن حقوق کشورهای عضو است.

با تمسک به قواعد تفسیری، تعبیر دیگری می‌توان از معاهده ارائه کرد که حق ایران را به رسمیت بشناسد. کریستوفر فورد در کتاب بازنگری معاهده «ان‌پی‌تی» می‌نویسد: «برخی از دولت‌ها به اشتباه از این دیدگاه دفاع می‌کنند که معاهده به آن‌ها این اختیار را داده تا طیف گسترده‌ای از فناوری‌های هسته‌ای را که حتی در ساخت سلاح کاربرد ندارند، ممنوع کنند.» (Ford, 2010: 245)

به موجب تفسیر حقوقی از معاهده، حقوق‌دانان منصف نه تنها معتقدند که «حق غنی‌سازی» جزو «حقوق ذاتی و لاینفک» ایران است، بلکه اعمال تحریم و ایجاد محدودیت در توسعه فناوری هسته‌ای یا تأمین سوخت هسته‌ای برای نیروگاه‌ها و خدمات درمانی نقض آشکار اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و مقررات «ان‌پی‌تی» است.

فرانک بارنباي<sup>۲۷</sup> در تفسیر معاهده «ان‌پی‌تی» معتقد است: «از نظر حقوقی، اعضای معاهده می‌توانند حتی اجزای هر تعداد از سلاح‌های هسته‌ای را تولید و قطعات آن را مونتاژ کنند، اما تنها زمانی می‌توان مدعی بود که معاهده نقض شده است که دولتی «مواد شکاف‌پذیر» را به یکی از دستگاه‌ها تزریق کند.» (Barnaby, 1981: 177-78)

نادیده گرفتن «حق غنی‌سازی» به عنوان یک «حق ذاتی» مندرج در معاهده که نقش محوری در برقراری تعادل حقوق و تکالیف دولت‌ها دارد؛ در واقع زیر سؤال بردن اعتبار کل معاهده خواهد بود. به عبارت دیگر، آژانس و کشورهای مذاکره‌کننده نمی‌توانند به بهانه نظارت و راستی‌آزمایی، حق تهیه، تولید و فرآوری مواد هسته‌ای، انتقال فناوری، توسعه و همکاری در زمینه چرخه سوخت را که با مقاصد صلح‌آمیز صورت می‌گیرد اسقاط کنند. (Neame, 2010: 71). در حقیقت، حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای به عنوان «حقی غیرقابل سلب» در اسناد بین‌المللی دارای اوصاف زیر است:

الف) داشتن انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، «حق» همه دولت‌های عضو است (حق تمتع)؛

ب) استیفای این حق، مستلزم داشتن کلیه فرایندهای منتهی به تحقق این حق است (حق استیفا)؛

ج) این «حقی همگانی» است، یعنی برای همه دولت‌های عضو پذیرفته شده است (تبعیض قائل نشدن)؛

د) این «حق ذاتی» است و معاهده موجب آن نبوده، بلکه تنها به شناسایی و تضمین آن پرداخته است (حق غیرقابل اسقاط).

**ب) استفاده از دیپلماسی حقوقی**

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای «ان‌پی‌تی» مصمم است حقوق خود را در قالب این معاهده استیفا کند، به‌رحال دولت‌های غربی با رویکردی سیاسی و تفسیری مضیق از معاهده درصد هستند حقوق هسته‌ای ایران را انکار و «فرایند غنی‌سازی» که از نظر فنی بستر استیفای این حقوق را فراهم می‌سازد را مخدوش سازند؛ بنابراین، ابهام و اجمال عبارات و سیاق معاهده به‌ویژه موضوع «حق غنی‌سازی» به چالشی جدی میان و کشورهای ۵+۱ تبدیل شده است. شناسایی این حقوق یکی از شروط اصلی طرف ایرانی در مذاکرات است. وجود این ابهامات راه را برای ایجاد درک مشترک میان طرف‌های معاهده می‌بندد. علاوه بر این، «ناکامی در رسیدن به ابهام‌زدایی از حقوق ذاتی معاهده می‌تواند به عنوان تهدیدی واقعی تلقی شود و تداوم آن مشروعیت و کارایی معاهده را زیر سؤال خواهد برد». (سادات میدانی، ۱۳۸۳، ۹۱-۱۰۵)

برای رفع ابهام و روشن شدن دامنه حقوق هسته‌ای ایران، می‌توان به «استدلالات حقوقی» زیر تمسک جست:

باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنرانی خود در نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ تصریح کرد: «ایرانی‌ها حق دارند از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار باشند.» وی در ادامه می‌افزاید: «به حق مردم ایران برای دسترسی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای احترام می‌گذاریم.»<sup>۲۸</sup> به دنبال آن «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا، نیز در مصاحبه‌ای با شبکه سی.ان.ان. اعلام کرد: «ایران می‌تواند چرخه غنی‌سازی اورانیوم خود را در سطح پایین حفظ کند.»<sup>۲۹</sup>

سخنرانی اوباما در سازمان ملل که سران و نمایندگانی از کلیه کشورها حضور دارند، با سخنان وی تنها پس از گذشت دو روز از «توافقنامه ژنو» (Joint Plan of Action) مبنی بر «انکار حق غنی‌سازی بعنوان بخش مهمی از حقوق هسته‌ای مردم ایران» از دیدگاه حقوق بین‌الملل قابل تأمل و بررسی است چراکه اظهارات متناقض مسئولان آمریکایی با استناد به «قاعده استاپل» (Estoppel) قابل پیگرد حقوقی است. استاپل، قاعده‌ای حقوقی است که در حقوق بین‌الملل کاربرد فراوان داشته و معادل آن در حقوق اکثر کشورها وجود دارد. به موجب این قاعده: «هیچ کس نمی‌تواند به زیان دیگری تناقض گویی کند». این قاعده در نظام حقوقی ایران تحت عنوان «قاعده عدم استماع انکار بعد از اقرار» شناخته شده است. (افتخار جهرمی، شهبازی نیا، ۱۳۸۳، ۵) بدون تردید، استدلال سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا دایر بر اینکه: «ماده ۴ ان‌پی‌تی حق غنی‌سازی اورانیوم را برای هیچ دولتی به رسمیت نمی‌شناسد» بی‌اساس و مغایر موازین حقوق بین‌الملل، کارهای مقدماتی معاهده (préparatoires travaux) و حتی تفسیر رسمی این کشور در کمیته داخلی مجلس نمایندگان و سنا است.

(ساعد، ۱۳۹۲) همچنین «حق غنی‌سازی» در «توافقنامه ژنو» ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ که اعلام داشته: «راه حل نهایی ایران را قادر خواهد ساخت که به طور کامل از حقوق خود در مورد انرژی هسته‌ای تحت مواد مرتبط از معاهده «ان‌بی‌تی» و نیز تعهدات خود بر اساس آن بهره‌مند شود. راه حل جامع شامل «برنامه غنی‌سازی» تعریف شده از سوی طرفین خواهد بود» را به رسمیت شناخته است. (ر.ک. به مقدمه توافقنامه ژنو)

منطقاً وقتی استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای مستلزم «ساخت و تولید» ابزاری است که این تجهیزات برای تولید انرژی نیازمند سوخت هستند، داشتن فرایند غنی‌سازی اورانیوم برای تهیه سوخت جزو بخشی لاینفک از حقوق هسته‌ای محسوب می‌شود.<sup>۳۰</sup> دانیل جوینر<sup>۳۱</sup> در این خصوص می‌گوید: «اینکه غرب از ایران می‌خواهد فرایند غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند، درحقیقت زیرپا گذاشتن قواعد حقوق بین‌الملل است». وی درباره اختلاف حقوقی ایران و ۵+۱ درباره این موضوع که آیا ایران «حق غنی‌سازی» دارد یا نه؟ می‌نویسد: «بر اساس معاهده ان‌بی‌تی، هر عضو معاهده حق دارد از طیف کاملی از استفاده‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای برخوردار شود». (Joyner, 2012: 6)

در واقع استدلال دولت‌های غربی برای محروم کردن جمهوری اسلامی ایران از حقوق هسته‌ای خود، به این گزاره متوسل می‌شوند که به دلیل نداشتن صراحت در تفکیک میان «فعالیت‌های حساس و غیرحساس» در معاهده، هر نوع فعالیتی که مجاز شمرده نشده ممنوع شده است. به‌رحال در پاسخ به این استدلال باید به قاعده مشابه در حقوق بشردوستانه بین‌المللی تمسک جست که تفکیک میان رزمنده از غیررزمنده<sup>۳۲</sup> با هدف حفظ و صیانت از حقوق غیرنظامیان انجام می‌گیرد.<sup>۳۳</sup> بدین ترتیب، به موجب بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو که اگر یک یا چند نفر غیرنظامی در میان گروهی از نیروهای مسلح حضور داشته باشند نباید مورد حمله نظامی قرار گیرند مؤید این است که حقوق غیرنظامیان بر مزیت‌های نظامی ترجیح دارد. (دیتر فلک، ۱۳۹۱: ۱۲۶) بنابراین، رویه حقوق بین‌الملل، حفاظت از حقوق را بر نتایج و پیامدهایی که ممکن است از اعمال محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌ها ناشی شود ارجح و در اولویت می‌داند.

### ج) استفاده از سایر ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل

در «اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» که نظام موسوم به «عدم اشاعه» را پایه‌گذاری کرد و نظام پادمانی آژانس که برای اجرای مواد ۲ و ۳ معاهده «ان‌بی‌تی» تنظیم شده است، «حق غنی‌سازی را نه تنها بعنوان یکی از اجزای توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به رسمیت شناخته، بلکه دامنه آن را نیز تا زمان نامحدود تعیین کرده است». از این رو، مادامی که کشوری تحت نظارت بین‌المللی آژانس و پادمان باشد، فی‌نفسه دلیلی برای نگرانی از برنامه غنی‌سازی که متناسب با نیازهای توسعه‌ای غیرنظامی است، وجود ندارد. در این رابطه هرگونه اقدامی که موجب تضعیف حق غنی‌سازی شود، نه تنها با رویه و عملکرد آژانس در برخورد با سایر

کشورهای دارای چرخه غنی‌سازی (ژاپن، برزیل، کره جنوبی) <sup>۳۴</sup> مغایرت دارد، بلکه نوعی تردید نسبت به کارایی و اثربخشی سازوکار نظارتی آژانس به وجود خواهد آورد.

همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا ایجاد محدودیت در انتقال فناوری، ناقض حقوق هسته‌ای دولت‌ها تلقی می‌شود یا خیر؟ باید گفت قدرت‌های هسته‌ای عموماً از دو طریق مانع انتقال فناوری می‌شوند: اول) از طریق اعمال فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی به کشور انتقال‌دهنده؛ دوم) اعمال فشار به کشور پذیرنده برای عدم دریافت فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز. به هر حال، به دلیل آنکه حق بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای جزء لاینفک حاکمیت ملی است؛ بنابراین، ایجاد هرگونه ممانعت در بهره‌مندی از این حق، نقض حاکمیت ملی و دخالت در امور داخلی کشورها محسوب می‌شود. <sup>۳۵</sup> البته، اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت خاصی در مورد حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. <sup>۳۵</sup> البته، اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت خاصی در مورد اعمال فشار مستقیم به دولت پذیرنده آسان‌تر از اثبات دخالت مستقیم در انتقال فناوری است. مجمع عمومی در قطعنامه‌های مختلف مجمع عمومی <sup>۳۶</sup> و دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه «اعمال فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی برای تغییر نظام ملی را عمل مغایر حقوق بین‌الملل» <sup>۳۷</sup> تلقی کردند. با این استدلال، کارشکنی و تحریم‌های امریکا در زمینه دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، خلاف روح و مفاد این اسناد و عهدنامه مودت ۱۹۵۵، بیانیه الجزایر ۱۹۸۱ و قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی است؛ بنابراین، می‌تواند مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده را در پی داشته باشد.

هدف از معاهدات منع اشاعه، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بدون خلل وارد کردن در فرایند «حق توسعه» است. بر این مبنا، «حق توسعه» به عنوان بخشی از «حق تعیین سرنوشت مردم» و جزو هدف و موضوع این معاهدات و حتی منشور ملل متحد است. <sup>۳۸</sup> از این منظر، استدلال موجه و قانع‌کننده وجود ندارد که بر اساس آن بتوان (تعهدات دولت‌های عضو) را بر (حقوق دولت‌های عضو) برتری داد، زیرا موضوع حق و تکلیف لازم و ملزوم یکدیگرند. طبق اصول کلی حقوقی «اگر کسی نسبت به چیزی یا کسی تکلیفی داشته باشد، به یقین من علیه الحق نسبت به صاحب تکلیف، حقوقی نیز دارد». (گرچی، ۱۳۷۲: ۱۲۴)

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، «حق توسعه»، «حق مشارکت» و «حق انتقال فناوری» و به‌ویژه «حق غنی‌سازی» مجموعه حقوقی هستند که در اسناد بین‌المللی نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های (۲۰۲۸، ۲۶۶۱، ۳۴۷۸، ۲۳۷۳) مجمع عمومی مورد تأیید قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، به لحاظ فنی کاملاً واضح است که حق تولید و توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز حق همگانی دولت‌های عضو معاهده و دایر بر تمامی مراحل و فرایند منتهی به تحقق انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز است. در نتیجه، از مرحله شناسایی معدن، خرید و کسب اورانیوم طبیعی گرفته تا غنی‌سازی، ایجاد نیروگاه، داشتن دانش هسته‌ای بومی، و هر فعل و انفعالی که زمینه بر خورداری این حق را فراهم سازد بخشی از این حقوق محسوب می‌شود. از

این رو، غنی‌سازی یکی از ابزارهای دستیابی به صلح‌آمیز هسته‌ای است و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که «چرخه غنی‌سازی» چون کاربرد دوگانه دارد پس یک فناوری نظامی است.

درضمن، این مجموعه حقوق مطلق و تام هستند، نه مشروط. در نتیجه، تمامی اعضا از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌توانند مدعی استیفای این حقوق شوند، هرچند مطالبه این حقوق در کام قدرت‌های هسته‌ای تلخ‌کننده بر مبنای این استدلال می‌توان گفت، دلایل مخالفت غرب در «انکار حق غنی‌سازی» ایران احتمالاً موارد زیر خواهد بود:

الف) اگر آن‌ها حق غنی‌سازی را به رسمیت بشناسند، دیگر نخواهند توانست خواستار محدود شدن سطح آن شوند؛

ب) شناسایی حق غنی‌سازی به منزله اعلام شکست سیاست‌های مداخله‌جویانه و سست شدن پایه تحریم‌هاست؛

ج) به لحاظ حقوقی، به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی ایران موجب رویه بین‌المللی برای سایر دولت‌ها خواهد شد. برای نمونه کشورهای نظیر آرژانتین، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، هند، ژاپن، افریقای جنوبی و کره جنوبی هم اکنون با نگاهی شکاکانه به امکان استیفای حق غنی‌سازی یا بازفراوری مواد هسته‌ای در معاهده می‌نگرند و با پیروی از رویه جمهوری اسلامی ایران در آینده مدعی این حق خواهند بود. (Hibbs, 2013) بر این اساس، به نظر می‌رسد راهبرد دولت‌های مذاکره‌کننده با ایران این است که در نهایت به ایران اجازه غنی‌سازی محدود بدهند، بی‌آنکه این حق را صریحاً به رسمت بشناسند.

## نتیجه‌گیری

در مجموع، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران مانند دیگر کشورهای عضو «ان‌پی‌تی»، حق غیرقابل‌انکار و بنیادین غنی‌سازی اورانیوم برای مصرف در چرخه سوخت برای تولید انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را دارد و این موضوعی است که بنا بر تصمیمات راهبردی کشور نه قابل‌مذاکره است و نه قابل‌معامله. طبعاً هیچ‌گونه تعهد مبنی بر انجام اقدامات اعتمادساز نیز نمی‌تواند به گونه‌ای پذیرفته شود که منجر به محرومیت ایران از استیفای این حقوق شود. هرگونه استدلال حقوقی و ادعاهایی مبنی بر اینکه «حق غنی‌سازی» باید از ایران سلب شود یک توهم و آرزو بیش نیست. جمهوری اسلامی ایران که به تعهدات خود بر اساس معاهده «ان‌پی‌تی» فراتر از تعهداتش در چهارچوب پادمان با آژانس همکاری می‌کند و انحراف نکردن از آن بارها در گزارش‌های آژانس تأیید شده است، باید به موجب اصول منشور ملل متحد، قطعنامه‌های مجمع عمومی، اساس‌نامه آژانس و معاهده «ان‌پی‌تی» مورد حمایت قرار گیرد و کشورهای هسته‌ای نیز به تعهدات در قبال ارائه کمک‌های فنی خود وفق مفاد این معاهده عمل کنند. دست کم اینکه مانع دستیابی‌اش به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز نشوند و اگر آژانس به علت فشارهای سیاسی و حقوقی قادر نیست به انجام وظیفه خطیر خود بپردازد، در کنفرانس

بازنگری پیشنهاد شود هیئت یا مرجع بی‌طرف بین‌المللی، به اعتراض کشورهای قربانی این رویه رسیدگی و متخلف را به جبران خسارات مادی و معنوی محکوم کند. به رسمیت شناختن حقوق و تعهدات معاهده «ان‌پی‌تی» از سوی ۱۹۰ کشور گویای این واقعیت است که حقوق هسته‌ای در تمام شقوق آن در شمول حقوق بنیادین کشورها در عرصه حقوق بین‌الملل است. این امر به این معنی است که قدرت‌های هسته‌ای و سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توانند در شناسایی این حقوق میان کشورها تبعیض و تفکیک قائل شوند. همچنین حق کلیه کشورها در داشتن انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای باید تقویت شود و نباید کشورها از انرژی پاک هسته‌ای محروم شوند.

به رغم تفسیرها و برداشت‌های متفاوت از حقوق مندرج در معاهده «ان‌پی‌تی»، محرز است که غنی‌سازی اورانیوم به عنوان جزئی از برنامه توسعه هسته‌ای صلح‌آمیز، غیرقابل سلب است و مادامی که آژانس یا شورای امنیت بر انحراف از فرایند غنی‌سازی صحه نگذارند نمی‌توان چنین حقی را از دولتی سلب یا برای آن سطح مشخص و محدوده‌ای معین تعیین کرد. البته باید توجه داشت که مسائل هسته‌ای اساساً موضوعی صرفاً حقوقی نیست و عوامل دیگری نیز دخیل هستند. برای مثال، قدرت‌های هسته‌ای همواره از حقوق بین‌الملل به عنوان ابزاری اقناعی، ائتلاف‌ساز و هماهنگ‌کننده بازیگران در محیط بین‌المللی علیه کشورهای هدف بهره می‌برند و از ظرفیت‌های حقوقی حداکثر استفاده را می‌نمایند تا مطامع خود را در قالب مطالبات جامعه جهانی به دنیا دیکته کنند.

از سوی دیگر، نهادهای بین‌المللی (نظیر شورای امنیت و شورای حکام) برای منافع دولت‌های استکباری گام برداشته، غالباً برخلاف موازین بین‌المللی در تفسیر دلخواهانه از معاهدات و قراردادهای این دولت‌ها هم‌داستان شده‌اند. با وجود این، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای متعهد ضمن تأکید بر ایفای تعهدات قانونی‌اش، در پی استیفای کامل حقوق هسته‌ای خود به‌ویژه «حق غنی‌سازی» است و برای «تأمین نیازمندی‌های حال و آینده خود»<sup>۳۹</sup> تلاش کرده و خواهد کرد و هرگونه تحمیل شرایطی در این رابطه را مغایر قواعد شناخته‌شده حقوق بین‌الملل می‌داند.

### پیشنادهای حقوقی

واقعیت این است که موضوعات هسته‌ای ترکیبی از مسائل حقوقی، سیاسی و فنی هستند. با این وجود، راهبرد اصلی کشورهای مذاکره‌کننده ۵+۱ به‌ویژه امریکا عبور از جنبه حقوقی و سیاسی کردن مسائل است تا از این طریق بتوانند با استفاده از تفسیر به رأی اسناد بین‌المللی، ضمن انکار و نفی حقوق هسته‌ای دولت‌ها بر تعهدات و تکالیف کشورهای عضو پافشاری کرده، فعالیت‌های مشروع هسته‌ای را در شمار فعالیت‌های غیرمجاز و ممنوع قرار دهند. برای مقابله با این راهبرد ظالمانه، پیشنهاد می‌شود مسئولان ذی‌ربط در جمهوری اسلامی ایران به رهیافت‌های ذیل توجه و دقت کنند:

- الف: تلاش برای رفع قطعی اختلافات و موانع حقوقی و فنی با آژانس؛
- ب: پافشاری مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران بر وجود تناقضات در متن قطعنامه‌ها و بیانیه‌های رسمی (به رسمیت شناختن حق استفاده از انرژی هسته‌ای و بلافاصله محروم کردن ایران برای اعتمادسازی)؛
- ج: تأکید بر اجرای بند ۲ ماده ۴ معاهده «ان‌پی‌تی» مبنی بر حق توسعه، حق انتقال تجهیزات و حق مشارکت در مبادلات هسته‌ای؛
- د: جلب نظر مجمع عمومی سازمان ملل برای ارسال درخواست صدور رأی مشورتی به دیوان (ICJ) درخصوص تفسیر حقوقی مستدل و منطقی از ماده ۴ معاهده در مورد تثبیت و تحکیم «حق مسلم غنی‌سازی» کشورها؛
- ه: تهیه پیش‌نویس یک موافقت‌نامه تفسیری برای معاهده «ان‌پی‌تی» (طبق مقررات حقوق بین‌الملل طرف‌های متعاقد می‌توانند برای از میان بردن مشکلات ناشی از تفسیر معاهده موافقت‌نامه تفسیری تنظیم کنند)؛
- و: توجه دادن محاکم قضایی بین‌المللی به نقض اصل «برابری حقوق و تعهدات طرفین در معاهدات» در معاهده «ان‌پی‌تی»؛
- ز: استفاده از ابزارهای حقوق بین‌الملل و بهره‌گیری از حقوق‌دان بین‌المللی در استدلال مواضع حقوقی و تثبیت آن؛
- ح: تأکید بر پایبندی بر اجرای موافقت‌نامه ژنو ( Geneva, 24 November 2013 , Joint Plan of Action ) تا رسیدن به توافق جامع؛
- ط: جلب توجه مجمع عمومی سازمان ملل، شورای امنیت و افکار عمومی جهانی نسبت به نقض توافقات به عمل آمده از سوی طرف مقابل و تأکید بر پذیرش هرگونه تبعات نقض تعهد وفق مقررات بین‌المللی؛
- ی: اعلام صریح انجام رفتار متقابل یا «معامله متقابل» ( Reciprocity ) طبق موازین حقوق بین‌الملل در صورت نقض تعهد طرف مقابل؛
- ک: به مصلحت نبودن اعلان طرح خروج از معاهده «ان‌پی‌تی»، پادمان یا پروتکل الحاقی آن یا اخراج بازرسان آژانس از کشور.

## یادداشت‌ها

1- Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT, Opened for signature: 1 July 1968; Entered into force: 5 March 1970; Duration: extended indefinitely in 1995 NPT Review and Extension Conference), 729 UNTS 161, Article IV (emphasis added).

۲- در حال حاضر ۱۸۹ کشور به جز کشورهای هند، پاکستان، اسرائیل و کره شمالی عضو این پیمان هستند و آن را تصویب کرده‌اند. ایران نیز در سال ۱۹۶۸ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را پذیرفت و در سال ۱۹۷۰ آن را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند.

3- ICJ Rep. 1996, Advisory Opinion, 8 July 1996, para. 105(2).

4- INFCIRC/214, 13 December 1974.

5-The Declaration on the Right to Development, Art. 1.

6- The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Art. 1.

7- International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights was signed on December 16, 1966 and entered into force on January 3, 1976.

8-The Rio Declaration on Environment and Development. Art.2.

۹- طبق ماده ۱۰ خروج دولت‌های عضو مشروط به مواردی است که حوادث غیرمترقبه و خارق‌العاده و منافع حیاتی کشورهای عضو به خطر افتاده باشد.

10- United Nations. 1946. Establishment of a Commission to Deal with the Problems Raised by the Discovery of Atomic Energy. General Assembly Official Records. Supplement No. C.1 (A/12) New York: United Nations.

11- Report of the International Atomic Energy Agency, GA Res. 2156 (XXI), UN GAOR, 22 November 1966, Supp. No. 14, UN Doc A/L.499 Rev.1, part B, para. 2 (c).

12- United Nations. 1970. General and Complete Disarmament. General Assembly Official Records. Supplement No. 27 (A/8198) New York: United Nations.

13-United Nations. 1975. Conclusion of a treaty on the complete and general prohibition of nuclear weapon tests. General Assembly Official Records. Supplement No. 122 (A/10447) New York: United Nations.

14- United Nations. 1976. Implementation of the conclusions of the 1st Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons. General Assembly Official Records. Supplement No. 116 (A/31/388) New York: United Nations.

15- Treaty on the Non-Proliferation Nuclear Weapons, GA Res. 2373 (XXII), UN GAOR, 12 June 1968, Supp. No 1, UN Doc. A/S- 10/1).

16- Prevention of the wider dissemination of nuclear weapon, GA Res. 1756 (XV), UN GAOR, 20 December 1960, Supp. No 73, UN Doc. A/4680. 33.

۱۷- در زمان انعقاد این پیمان تنها کشورهای ایالات متحده امریکا، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان دارنده سلاح هسته ای (NWS) بودند.

۱۸- در قضیه کره شمالی، عراق و ایران، آژانس با صدور قطعنامه‌هایی عدم رعایت مقررات توسط این سه کشور را به اطلاع مجمع عمومی و شورای امنیت رساند.

۱۹- این معاهدات بیشتر حالت تحمیلی دارند و وضعیت ضعیف یک کشور باعث شده که به آن تن در دهد و با گذشت زمان متوجه شده‌اند که چگونه استقلال و حاکمیت خود را تضعیف کرده و در معرض خطر قرار داده‌اند.

۲۰- در حال حاضر ۱۸۹ کشور به جز کشورهای هند، پاکستان، اسرائیل و کره شمالی عضو این پیمان هستند و آن را تصویب کرده‌اند. ایران نیز در سال ۱۹۶۸ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را پذیرفت و در سال ۱۹۷۰ آن را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند.

۲۱- این سیاست از سوی کنگره امریکا در برخورد با موضوع هسته‌ای ج.ا. ایران و در مقابل رفع تحریم‌ها مطرح شده است.

۲۲- در این ارتباط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی استیفای این حق را «خط قرمز جمهوری اسلامی ایران» اعلام فرمودند.

23-NPT/CONF.2000/28 (Parts I and II). 2000 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons.

24- Vienna Convention on the Law of Treaties, May 23, 1969, 1155 U.N.T.S. 331, reprinted in. 8 I.L.M. 679 (entered into force Jan. 27, 1980) .

۲۵- این شیوه از تفسیر در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات به عنوان قاعده کلی تفسیر ذکر شده است.

۲۶- مدیر سابق مؤسسه بین‌المللی صلح تحقیقات استکهلم (SIPRI).

27- US President Obama said at the United Nations on 24 September 2013, “we respect the right of the Iranian people to access peaceful nuclear energy”, <http://www.nucleardiner.com/index.php/archive>.

28- [www.cnn.com/2013/opinion/iran-nuclear-diplomacy](http://www.cnn.com/2013/opinion/iran-nuclear-diplomacy).

20- ICJ Rep. 1996, Advisory Opinion, 8 July 1996, para. 105(2).

۳۰- مقاله «حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم براساس ان پی تی» در روزنامه واشنگتن‌پست مورخه ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳ درج شده است .

۳۱- دانیل جویئر استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه آلابامای امریکا است.

۳۲- دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۷۸ رأی مشورتی مشروعیت به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای در ۱۹۹۶ اعلام کرد: «کشورها هرگز نباید از سلاح‌هایی استفاده کنند که قادر نیستند بین اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند».

۳۳- بحث «تفکیک» میان نظامیان از غیرنظامیان مندرج در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در باب حقوق مخاصمات مسلحان درج شده است.

۳۴- براساس گزارش آژانس، کشورهای امریکا، روسیه، چین، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، اسپانیا، آلمان، هلند، انگلستان، ژاپن قادر به غنی‌سازی اورانیوم در حد تجاری هستند. هند و پاکستان، آرژانتین، برزیل و ایران قادر به غنی‌سازی اورانیوم هستند. توانایی غنی‌سازی اورانیوم در رژیم صهیونیستی و کره شمالی نیز وجود دارد.

۳۵- بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت کند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند»

۳۶- قطعنامه‌های ۳۲۰۱ (۱۹۷۴)، ۳۲۸۱ (۱۹۷۴)

37- ICJ Res. 1986, para 210.

۳۸- کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹.

۳۹- تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها، ارتقای محصولات کشاورزی، مصارف پزشکی و خدمات درمانی.

40- INFCIRC/214, 13 December 1974.

41-The Declaration on the Right to Developmen, 1986, A/RES/41/128 .

42- The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

43- International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights was signed on December 16, 1966 and entered into force on January 3, 1976.

44-The Rio Declaration on Environment and Development, 3 to 14 June 1992.

۴۵- طبق ماده ۱۰ معاهده خروج دولت‌های عضو مشروط به مواردی است که حوادث غیرمترقبه و خارق‌العاده و منافع حیاتی کشورهای عضو به خطر افتاده باشد.

## کتابنامه

### الف: منابع فارسی

۱. افتخار جهرمی، گودرز؛ شهبازی‌نیا، مرتضی، (۱۳۸۳)، «بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و امریکا»، مجله حقوقی بین‌المللی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۵-۷۵، شماره ۳۰.
۲. جلالی، محمود، (۱۳۸۳)، «ایران و حقوق بین‌الملل هسته‌ای و وضعیت ایران»، مجله حقوق خصوصی، تهران، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۷۵-۱۰۲، سال دوم، شماره هفتم.
۳. حسینی، کیوان، (۱۳۸۸)، «کنترل تسلیحات و سیاست کنترل فناوری امریکا»، مجموعه مقالات همایش ملی چشم‌انداز خلع سلاح و کنترل تسلیحات، مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۴. خوان خرازیان، مهناز، (۱۳۸۶)، «تحول حق تعیین سرنوشت در چهارچوب ملل متحد»، مجله حقوقی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۹۵-۱۴۲، شماره ۳۶.
۵. دیتر، فلک، (۱۳۹۱)، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، شهر دانش، ترجمه سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم، ص ۷۳۲.
۶. سادات میدانی، سیدحسین، (۱۳۸۳)، «نگرشی حقوقی به موافقت‌نامه پاریس درباره برنامه هسته‌ای ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۹۱-۱۰۵، سال سوم-شماره ۶.
۷. ساعد، نادر، «ماهیت حقوقی غنی‌سازی اورانیوم»، [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)، تاریخ بازدید: ۲۳ آذرماه ۱۳۹۲.
۸. غریب آبادی، کاظم، (۱۳۸۳)، آشنایی با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ دوم، ص ۲۵۷.
۹. فلسفی، هدایت‌الله، (۱۳۷۲)، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، چاپ دوم، ص ۹۴۳.
۱۰. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۷۲)، «مشروعیت حق و حکم آن با تأکید بر حق معنوی»، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۲۱-۱۳۲، شماره ۲۹.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت / مسئولیت)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ چهل یکم، ص ۳۰۱.

۱۲. مولایی، یوسف، (۱۳۷۶)، «تحلیلی حقوقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۸۲-۶۵، شماره ۳۷.
۱۳. مولایی، یوسف، (۱۳۸۱) «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر»، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۸۴-۴۹، شماره ۵۶.

### ب- منابع انگلیسی

14. Rebecca Beachen Neame, "Strengthening the Nuclear Non-Proliferation Regime in the 21st Century: Multilateral Approaches to the Nuclear Fuel Cycle", (2010). <http://ir.canterbury.ac.nz/handle/10092/4274>.
15. Christopher Ford, (2010) "Nuclear Technology Rights and Wrongs: The NPT, Article IV, and Nonproliferation", NPEC's book Reviewing the Nuclear Nonproliferation Treaty. <http://www.npolicy.org/thebook.php?bid=2>.
16. Conclusion of a treaty on the complete and general prohibition of nuclear weapon tests. General Assembly Official Records. United Nations. 1975 Supplement No. 122 (A/10447).
17. Daniel Joyner, "What if Iran Withdraws from the Nuclear Nonproliferation Treaty?: Can They Do That?", European Society of International Law Reflections Volume 1, Issue 5 (2012).
18. Emily Bailey et al, "Programme for Promoting Nuclear Non-Proliferation", Briefing Book, 6d ed. (Mounbatten Center for International Studies, 2000).
19. Frank Barnaby and Bhupendra Jasani, "World Armaments and Disarmament", The SIPRI Yearbook, Taylor & Francis Ltd. 1981.
20. IAEA Statute.
21. ICJ Rep. 1996, Advisory Opinion, 8 July 1996.
22. Implementation of the conclusions of the 1st Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons. General Assembly Official Records. United Nations. 1976. Supplement No. 116 (A/31/388) New York.
23. INFCIRC/214, 13 December 1974.
24. International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights was signed on December 16, 1966 and entered into force on January 3, 1976
25. Mark Hibbs, "Iran and U.S. Nuclear Policy", 2013, <http://carnegieendowment.org/2013/12/11/iran-123/gvyk>.
26. Meyrowitz, Elliott I., "The law of the war and nuclear weapons", (1975).
27. Mohammed Bedjaoui, "Le droit au développement", Bilan et perspectives, Tome 2, Paris, Editions A. Pédone, (1991).
28. Non-Proliferation of Nuclear Weapons, GA Res. 2028 (XX), UN GAOR, 19 November 1966, Supp. No 106, UN Doc. A/6097 and Corr. 1

29. NPT/CONF.2000/28 (Parts I and II). 2000 Review Conference of the Parties to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons.
30. Prevention of the wider dissemination of nuclear weapon, GA Res. 1756 (XV), UN GAOR, 20 December 1960, Supp. No 73, UN Doc. A/4680. 33.
31. Report of the International Atomic Energy Agency, GA Res. 2156 (XXI), UN GAOR, 22 November 1966, Supp. No. 14, UN Doc A/L.499 Rev.1, part B,.
32. Robert Zarate, “*The Three Qualifications of Article IV’s “Inalienable Right”*”, NPEC’s book Reviewing the Nuclear Nonproliferation Treaty, 2010. <http://www.npolicy.org/thebook.php?bid=2>.
33. Robert Zarate, “*The NPT, IAEA Safeguards and Peaceful Nuclear Energy: An “Inalienable Right,” But Precisely To What?*”, Nonproliferation Policy Education Center, (2007) .
34. Shirley V. Scott, “*International Law in World Politics*”, (London: Lynne Rienner Publishers, 2004) .
35. The African Charter on Human and Peoples’ Rights.
36. The Declaration on the Right to Development.
37. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.
38. The New York Times, 28 May 2005.
39. The Rio Declaration on Environment and Development.
40. The Wall Street Journal- Makovsky and Misztal,” *Iran Has No ‘Right’ To Enrich Uranium*”, July 9, 2012. <http://www.wsj.com/articles/SB>.
41. Treaty on the Non-Proliferation Nuclear Weapons, GA Res. 2373 (XXII), UN GAOR, 12 June 1968, Supp. No 1, UN Doc. A/S- 10/1)
42. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons (NPT, Opened for signature: ۱ July ۱۹۶۸; Entered into force: ۵ March ۱۹۷۰; Duration: extended indefinitely in ۱۹۹۵ NPT Review and Extension Conference), ۷۲۹
43. United Nations Charter
44. United Nations. 1946. Establishment of a Commission to Deal with the Problems Raised by the Discovery of Atomic Energy. General Assembly Official Records. Supplement No. C.1 (A/12) New York: United Nations
45. United Nations. 1970. General and Complete Disarmament. General Assembly Official Records. Supplement No. 27 (A/8198) New York: United Nations
46. US President Obama said at the United Nations on 24 September 2013, “*respect the right of the Iranian people to access peaceful nuclear energy*”, <http://www.nuclearinsider.com/index.php/archive>.
47. *Vienna Convention on the Law of Treaties*, May 23, 1969, 1155 U.N.T.S. 331, reprinted in. 8 I.L.M. 679 (entered into force Jan. 27, 1980).
48. Xinjun Zhang, “*The Riddle of “Inalienable Right” in Article IV of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons*”, International Ambiguity, online (2006) 5, Chinese Journal of International Law.

49. <http://www.washingtonpost.com>.
- 50.
51. <http://diplomatt.mihanblog.com/post/704>.
52. [www.cnn.com/2013/opinion/iran-nuclear-diplomacy](http://www.cnn.com/2013/opinion/iran-nuclear-diplomacy).